تلنگر

ویژه نامه سیاسی بسیج دانشجویی
دانشگاه علوم پزشکی شیراز
شماره بیست و نهم | آذرماه ۱۴۰۳

مدیر مسئول: سپهر سروری | **سردبیر:** امیرحسین فردین‌پور | **ویراستار:** حدیث رخشان
هیئت تحریریه: علیرضا مرادپور، علیرضا کردگاری، امیرحسین فردین‌پور، علی میرزایی، حدیث رخشان

ادامه سرمقاله

شهید بهشتی، عدالت اجتماعی را لازمه همبستگی ملی می‌دانست. از نگاه او، وقتی جامعه‌ای دچار شکاف طبقاتی می‌شود، اعتماد اجتماعی کاهش می یابد و افراد به جای همکاری، به رقابت های ناسالم و انحصارطلبی روی می آورند. او معتقد بود که رفع این شکاف هاتنها از طریق سیاست‌گذاری عادلانه، آموزش عمومی و تقویت ارزش‌های اسلامی ممکن است.

شهید بهشتی به ما آموخت که عدالت خواهی، وظیفه‌ای است که بر دوش همه ماست. عدالت، صرفاً مأموریتی نیست که به دولت‌ها و حاکمان سپرده شود. هر یک از ما، در جایگاه خود، باید نسبت به بی‌عدالتی‌ها حساس باشیم و برای اصلاح جامعه تلاش کنیم.

امروز، اگرچه مسیر عدالت‌خواهی دشوار و پرفراز و نشیب است، اما اندیشه های شهید بهشتی همچون چراغی روشن، راه را به ما نشان می‌دهد. او به ما یادآور می‌شود که عدالت، اگرچه آرمانی والا و گاه دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد، اما با همت، اخلاص و اراده جمعی، می‌تواند به واقعیتی زیبا و ماندگار در زندگی فردی و اجتماعی ما بدل شود.

ادامه مطلب بیانات رهبری

از دریاها استفاده میکنند، از همه‌ی منابع طبیعی در حقیقت یک عده معدود از جامعه استفاده میکنند. دیگران چه کسبه‌ی جزء، چه کارگران، چه کارگران معادن، چه کارگران کشاورزی، چه کارگران کارخانجات، در حقیقت ریزه خوار خوان آنها و استفاده کننده از زیادی ثروت آنها و گوشه‌ی سفره‌ی آنها هستند. خودشان امکان تلاش، امکان تولید، امکان بهره برداری، امکان کار سازنده، امکان تولید ثروت به آن معنای حقیقی ندارند. پس راه اینکه ما اقتصاد آزاد را به معنای حقیقی خودش در جامعه به وجود بیاوریم، این است که از این انحصار جلوگیری کنیم. امکانی در جامعه به وجود بیاید که اغلب افراد جامعه، بیشترقشرهای جامعه یا همه ی کسانی که قدرت کار دارند، اینها بتوانند از امکانات طبیعی، از زمین، از دریا، از انفال، از دشتها، از مراتع استفاده کنند. رهبر حکیم انقلاب اسلامی؛ خطبه های نماز جمعه ۲۴ مهر ۱۳

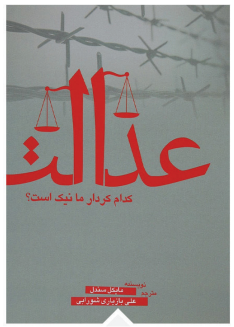
کتاب عدالت — حدیث رخشان

از تراموا تا اتاق عمل:
چگونه اخلاق تصمیم‌گیری ما را هدایت می‌کند؟

فرض کنید راننده تراموایی هستید که با سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت در حرکت است. ناگهان می‌بینید پنج کارگر که وسایل کارشان را در دست دارند، روبه‌روی شما ایستاده‌اند. می کوشید توقف کنید ولی نمی‌توانید. ترمز کار نمی‌کند. احساس نومیدی می‌کنید چون می‌دانید اگر با این پنج کارگر تصادف کنید همگی کشته می‌شوند. ناگهان جاده‌ای فرعی را در سمت راست خود می‌بینید که البته یک کارگر هم آن جا ایستاده است. ولی فقط یک نفر است.» [۱] فرمان را به سوی او می‌چرخانید؟

مثال دیگری را فرض کنید. فرض کنید جراح هستید و ۶ مریض به شما مراجعه می‌کنند. یکی از آن‌ها بسیار پیر است و به نظر زمان زیادی تا لحظه‌ی مرگش باقی نمانده است؛ اما ۵ مریض دیگر جوان‌هایی در انتظار پیوند اعضا هستند. آیا حاضر می‌شوید اعضای بدن پیرمرد را به جوان‌های دیگر پیوند بزنید و با مرگ یک نفر، جان ۵ نفرِ دیگر را نجات بدهید؟ (با فرض بر این که از لحاظ پزشکی مطمئن باشید با انجام این کار جان آن ۵ جوان را نجات خواهید داد.)

شاید در مثال اول چرخاندن فرمان را عملی منطقی بدانید و در عین دردناک بودن، این انتخاب را ناگزیر بدانید؛ اما درباره‌ی مثال دوم چطور؟ افراد کمتری حاضرند جان پیرمرد را بگیرند و جان ۵ جوان را نجات دهند در صورتی که نتیجه‌ی هر دو مثال با هم یکسان است. در هر دو مثال جان یک نفر گرفته می‌شود و در ازای آن، جان ۵ نفر نجات پیدا می کند. در مواجهه اول با این پرسش ها، شاید شهودی داشته باشیم که بعضی از کارها را اخلاقی بداند و ما را به سمت بعضی انتخاب‌ها جهت دهد؛ اما منطق و استدلال پشت این شهودها و احساس‌ها چیست؟ در



مسائل پیچیده و چندوجهی، نمی توانیم تنها به شهود خود اتکا کنیم؛ زیرا شهود در اکثر مواقع با احساسات ترکیب می‌شود و علاوه بر این، پژوهشگران شناختی نیز خطاهای شناختی بسیاری را به ذهن ما نسبت داده‌اند.

عکس نوشت





ویژه نامه سیاسی بسیج دانشجویی
دانشگاه علوم پزشکی شیراز
شماره بیست و نهم | آذرماه ۱۴۰۳



دانشجو وجدان بیدار جامعه است
هر جا که خاموش شود،
جامعه به خواب می‌رود.
(دکتر علی شریعتی)



پرسش و پاسخ دانشجویی با استاندار پیشین فارس؛ بررسی عملکرد و چالش ها

این مطلب را در صفحه ۲ بخوانید



سکوت یا فرار؛ بی احترامی استاندار به کرامت دانشجو

این مطلب را در صفحه ۲ بخوانید

سرمقاله — امیرحسین فردین پور

عدالت؛ بنیادی ترین اصل اسلامی

عدالت، واژه‌ای آشنا اما پرمعنا که از آغاز خلقت بشر تا به امروز به‌عنوان یکی از آرمان‌های بلند انسانی مطرح بوده است. این مفهوم والای انسانی، در نظام های فکری و اجتماعی مختلف، به شکلی متفاوت تعریف و اجرا شده است. اما در میان اندیشه‌ورزان معاصر، شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، با نگاهی عمیق و همه‌جانبه به عدالت، آن را نه‌تنها یک آرمان دست‌نیافتنی، بلکه ضرورتی عملی و انکارناپذیر برای بقای جامعه انسانی می‌دانست.

شهید بهشتی در اندیشه‌های خود، عدالت را به‌عنوان جوهره و محور اصلی حکومت اسلامی معرفی می‌کرد. او معتقد بود که عدالت، صرفاً مفهومی اخلاقی یا شعاری تبلیغاتی نیست، بلکه باید در تمامی ساختارهای جامعه، از اقتصاد و سیاست گرفته تا فرهنگ و اجتماع، جاری و ساری باشد. از نگاه او، نظام اسلامی تنها زمانی مشروعیت دارد که بتواند عدالت را در عمل پیاده کند و فرصت‌های برابر را برای تمامی اقشار جامعه فراهم آورد.

به‌عنوان یک متفکر عدالت‌خواه، شهید بهشتی به‌صراحت اعلام می‌کرد که انحصارگرایی و تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود، نقطه‌ای است که هر جامعه‌ای را به نابودی می‌کشاند. او تأکید داشت که منابع طبیعی و ثروت های عمومی باید به گونه‌ای مدیریت شوند که همه مردم، نه‌تنها نخبگان اقتصادی، از آن بهره‌مند شوند. در نظر او، جلوگیری از انحصار و ایجاد فرصت های برابر برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی است.

ادامه مطلب: صفحه ۴

علیرضا مرادپور

از اقتصاد اسلامی تا عدالت اجتماعی

بازخوانی سخنان رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۶۶

بهترین راه برای اینکه آزادی اقتصادی تأمین بشود در یک جامعه‌ی اسلامی، این است که حکومت اسلامی و دولت اسلامی سیاستی اتخاذ بکنند و قوانینی وضع بکنند که بر طبق آن قوانین همه‌ی افراد در جامعه‌ی اسلامی قادر باشند آزادانه فعالیت اقتصادی کنند و همه‌ی قشرهای مردم از فعالیت اقتصادی خود بتوانند بهره‌مند بشوند. این یکی از آن وجوه امتیاز و جدائی بین نظام اسلامی در اقتصاد و نظامهای غربی است. در نظامهای غربی اگرچه به حسب ادعا، به حسب قوانین معمولی و اساسی مردم آزادند که فعالیت اقتصادی داشته باشند، اما در حقیقت این آزادی متعلق به همه‌ی مردم نیست. این منابع عظیم ثروت، این دریاها، این منابع طبیعی، این دشتهای حاصلخیز، این معادن، این همه امکاناتی که جزو ثروتهای عمومی جامعه محسوب میشود، اینها اینجور نیست که راحت در اختیار همه‌ی قشرهای جامعه قرار بگیرد و هر کسی بتواند بر روی آن بهره‌برداری و کار بکند و منتفع بشود. بلکه آن کسانی عملاً و واقعاً آزادند که دارای ثروتهای انباشته و زیاد هستند که سررشته‌ی اقتصاد جامعه، بلکه حتی خواهم گفت سررشته‌ی سیاست جامعه و اداره‌ی جامعه در دست آنهاست. آنها هستند که در حقیقت از منابع ثروت استفاده میکنند و بر آنها تسلط و سیطره دارند و استفاده و بهره برداری را آنها میکنند و آنها فضا را برای استفاده‌ی عموم جامعه تنگ کردند. لذا شما میبینید در جوامع سرمایه داری، چه جوامع پیشرفته‌ی سرمایه داری و چه جوامع عقب‌افتاده‌ی سرمایه‌داری، مثل بیشتر کشورهای جهان سوم، اغلب مردم در یک فقر شدیدی هستند؛ بخصوص در این کشورهای عقب‌افتاده. در حالی که اجتماعات عظیمی از مردم دچار فقر و بیکاری و بیجائی و بیمسکنی و محرومیت از بیشتر مواهب زندگی هستند، یک عده‌ی معدودی آزادانه تلاش میکنند، فعالیت میکنند، ثروت در می‌آورند، معادنی دارند، معادن دیگری را میگیرند؛ کارخانجاتی دارند، کارخانجات دیگری را ایجاد میکنند، دایر میکنند؛ زمینهائی دارند، زمینهای دیگری را به آن اضافه میکنند؛

ادامه مطلب: صفحه ۴

علی میرزایی

پرسش و پاسخ دانشجویی با استاندار پیشین فارس؛ بررسی عملکرد و چالش‌ها

مشروح جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی با استاد محمدهادی ایمانیه، استاندار پیشین فارس

در مراسم گرامیداشت روز دانشجو، دکتر ایمانیه، استاندار پیشین فارس، در جمع دانشجویان حاضر شد و به پرسش‌هایی درباره عدالت اجتماعی در دوره مدیریت سه‌ساله خود، مصوبات سفرهای استانی، رسیدگی به مشکلات پرستاری و موضوعات دیگر پاسخ داد.

وی ضمن پاسخگویی به سوالات، ضعف رسانه‌ای در استانداری را پذیرفت و دانشجویان را به مطالعه کتاب ۱۰۲۰ دعوت کرد. این کتاب درباره اقدامات استانداری فارس در دوره سه‌ساله ریاست جمهوری آیت‌الله رئیسی است. دکتر ایمانیه همچنین تصریح کرد که در سفرهای استانی شهید حاج قاسم رئیسی، مصوبات بسیاری به نتیجه رسید، اما به‌دلیل ضعف رسانه‌ای این دستاوردها به اندازه کافی منعکس نشدند.

در ادامه، وی به موضوع کنترل رشد جمعیت اتباع پرداخت و گفت: «اقدامات موثری انجام شد، از جمله اینکه مقرر شد جمعیت اتباع در هر روستا، شهر یا شهرستان از ۱۰ درصد فراتر نرود. بااین‌حال، شاهد بودیم که قبل از این در برخی شهرستان‌ها این جمعیت به ۲۹ درصد هم می‌رسید.»

وی همچنین به آبرسانی به یک‌سوم از روستاهای استان فارس اشاره کرد که پیش‌تر از این نعمت به‌درستی بهره‌مند نبودند. او اظهار داشت که این اقدام از مهاجرت بیشتر روستاییان به شهر جلوگیری کرد.

در پایان، دانشجویان از پاسخگویی استاد ایمانیه قدردانی کرده و پاس خدمات سه ساله ایشان به رسم یادبود، تندیسی را به ایشان اهدا کردند. امیدواریم این اخلاق پسندیده پاسخگویی و احترام به دانشجو را بیش از پیش در دیگر مسئولان کشوری و استانی شاهد باشیم.

امیر حسین فردین پور

گلایه به پدر معنوی استان

نطق نماینده بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در جلسه دانشجویی با امام جمعه شیراز



بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و احترام خدمت شما حاج آقا آیت الله لطف الله دژکام و اعضای محترم جلسه،

ابتدا از محضر شما کمال تشکر را داریم که فرصتی برای شنیدن دغدغه‌های ما فراهم کردید.

موضوع اولی که در اولویت است بحث بی‌احترامی آشکاری است که جناب استاندار نسبت به جریان دانشجویی روا داشتند. همان‌طور که مستحضرید، این رفتار نه تنها شأن دانشجویان بلکه جایگاه مطالبه‌گری را نیز زیر سؤال برد، ایشان بعد از این حرکت دور از شأن خودشان همچنان حاضر به اظهار پشیمانی نیستند. شهید بهشتی جمله ای دارند: دانشجو مؤدن جامعه است خواب بماند نماز امّت قضا میشود، ما رفتیم استاندار را بیدار کنیم ایشان خودشان را به خواب زده بودند نتونستیم بیدارشان کنیم.

اما موضوع مهم‌تر، کم‌رنگ شدن ارزش‌های راستین انقلاب در استانداری است که پس از رفتن استاد ایمانیه مشهود شده است.

در گذشته حتی دوستان اصلاح‌طلب در ظاهر این ارزش‌ها را حفظ می‌کردند، اما اکنون این حفظ ظاهر هم از میان رفته است. حاج آقا ما شما را به عنوان پدر معنوی استان می‌شناسیم از شما خواهشمندیم این موضوع را به استاندار محترم گوشزد کنید که انقلاب گری فقط پینه مُهرروی پیشانی نیست.

در حال حاضر برخی از طیف های خاص، به صورت کاملاً دستوری در حال احیای تشکل های خاص هستند که این مسئله جای تأمل دارد و نمونه ای از این دوستان را دیروز دیدیم که متنی که دستشان داده بودند را آمدند، خواندند، توهین کردند، دروغ گفتند و رفتند.

این دوستان که عملا در ۳ سال گذشته به دلیل نبود گفتمان در تشکل هایشان پراکنده شده بودند، هم‌اکنون دوباره به شکل دستوری زیر پرچم این تشکل های خاص در حال جمع شدن هستند

اما موضوع دیگر این است که همانطور که همه ما آگاه هستیم فردی از جریان اصلاح طلب، مهره‌های خود را با رانت و ارتباطات خانوادگی در مسئولیت‌های حساس استان قرار می‌دهد. بعد از انتخابات مجلس؛ جایی که فردی با شرایط شبهه برانگیز تأیید صلاحیت شد و بعد هم که رای آوردند. آن زمان به شوخی می گفتیم که طبقه‌ای از استانداری را برای فامیل‌های ایشان خالی کنید، اما امروز این شوخی به یک واقعیت تلخ تبدیل شده است. شما خودتان نگاه کنید در جدید ترین انتصاب چه کسی بر مسند مدیرکل محیط زیست نشسته؟

در آخر چند مصداق عینی که لازم می‌دانیم عرض کنیم خدمتتان این است که: خودتان بهتر از وضعیت فقر و شرایط زندگی مردم آگاهی دارید. واقعا رواست شورای شهر، غذاهای خود را از رستوران هفت‌خوان تهیه کند!

در حالی که گازرسانی به باغ‌شهری‌ها در اولویت قرار گرفته و روستاهای حاشیه شهر هنوز از این نعمت محروم‌اند؟

در پایان، مجدداً از توجه شما به صحبت های ما سپاسگزاریم و امیدواریم این مسائل مورد بررسی جدی قرار بگیرد.

والسلام علیکم ورحمه‌الله

علیرضا کردگاری

سکوت یا فرار؛ بی‌احترامی استاندار به کرامت دانشجو

در مراسمی که به مناسبت روز دانشجو به میزبانی استاندار فارس برنامه‌ریزی شده بود، حسینعلی امیری، استاندار فارس، در کمال ناباوری دانشجویان، در این رویداد حضور نیافت. این اقدام که از سوی دانشجویان به‌عنوان بی‌احترامی به قشر دانشجو و جریان دانشجویی تلقی شد، واکنش‌های صریح و تندی از سوی نمایندگان تشکل‌های دانشجویی به همراه داشت.





نطق دبیر تبیین مواضع بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، محمد مهدی نعمت‌الهی، با لحن اعتراضی و کنایه‌آمیز تنها یک دقیقه به طول انجامید:

"بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

ضمن عرض سلام و تبریک روز دانشجو به همه شما عزیزان، بنده نکاتی را آماده کرده بودم، اما گویا آقای استاندار، کار مهم‌تری از شنیدن مطالبات دانشجویان داشتند. این نشان می‌دهد که ایشان اهمیت چندانی برای شأن دانشجو قائل نیستند؛ لذا بنده هم از صحبت اجتناب می‌کنم.

نیامدن استاندار معنا دارد و معنایش چیزی جز بی‌احترامی به دانشجو نیست. عجیب است که برخی، با نام اهمیت به جریان دانشجویی، به‌دنبال احیای تشکل‌های دستوری هستند و حتی در ظاهر نیز به جریان عمومی دانشجویان ارزشی نمی‌دهند. حداقل می‌آمدند و صحبت‌های هماهنگ شده سوگلی‌هایشان را می‌شنیدند.

در پایان، از شما دانشجویان عزیز بابت هدر رفتن وقت گرانبهایتان عذرخواهی می‌کنم."

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.



نطق نماینده انجمن اسلامی مستقل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، سید رضا عقیلی نیز بسیار کوتاه و به‌شدت انتقادی بود:

"آقای استاندار، آمدیم، نبودید! به وعده خود عمل کردیم، اما شما خلف وعده کردید. ظاهراً گوشی برای شنیدن نیست و دانشجویان صرفاً زینت‌المجالس هستند. کرامت ما بالاتر از آن است که بیش از این زیر پا گذاشته شود."

در حرکتی نمادین، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل علوم پزشکی شیراز نیز در اعتراض به خلف وعده استاندار، بیانیه خود را در مقابل حضار پاره کرد و مراسم را ترک نمود.

این واکنش‌ها نشان از نارضایتی گسترده دانشجویان از رفتار استاندار و بی‌توجهی به نقش جریان دانشجویی در عرصه های اجتماعی و سیاسی دارد.

در ادامه میتوانید با اسکن QR code نامه سرگشاده بسیج دانشجویی دانشگاه های استان فارس به وزیر کشور پیرو بی احترامی استاندار به دانشجویان را بخوانید؛

نامه سرگشاده بسیج دانشجویی دانشگاه های استان فارس به وزیر کشور پیرو بی احترامی استاندار به دانشجویان

دمشق سقوط کرد...

"سوریه پس از بشار: سناریوی بالکانیزه‌شدن خاورمیانه"

در صورت فروپاشی دولت بشار اسد، محتمل‌ترین سناریو تبدیل سوریه به یوگسلاوی خاورمیانه است. بدیل نظام کنونی در سوریه مجموعه نچسبی از مخالفین هستند که در طول ۱۵ سال گذشته با وجود داشتن دشمن مشترک (حزب بعث) هر هفته انشعاب و جبهه جدیدی از آنان ساخته و پرداخته شده است. حال در وضع دسترسی به قدرت این شکافها بیش از پیش عیان خواهد شد؛ زیرا در صورت سقوط بشار اسد هیچ یک از گروهها دست بالاتر را در تحولات نخواهند داشت و چه بسا تا سالها درگیریهای خونینی بین کردها، تحریرالشام، ارتش آزاد، بقایای حزب بعث و در سطح پایینتر بین شاخه‌های درونی این ائتلافها شکل بگیرد که ثمره آن متلاشی شدن تمامیت ارضی سوریه است. در آن صورت دیگ پرفشار سوریه پس از ترکیدن محتویات خود را بر روی کشورهای منطقه خواهد ریخت و کشورهای دیگر هم از تحولات آن تاثیرخواهند گرفت.

تحریرالشام اگر چه طالبان را الگوی خود میداند ولی جامعه قبیله‌ای افغانستان و نقش طالبان بعنوان نماد پشتونوالی سیاسی از پایان قرن ۱۹ تاکنون بسیار متفاوت از جامعه چندپاره سوریه است که تلفیق ناهمگون قومیتها و فرهنگ فرانکوفون میباشد. تنها الگوی وحدت سوریه، ناسیونالیسم مهاجم عربی است که از "سلطان الاطرش" دروزی در دهه ۱۹۲۰ تا "ادیب شیشکلی" کُردتبار در دهه ۱۹۵۰ و حافظ اسد علوی ذیل آن رفتار سیاسی خود را سامان دادند. ناسیونالیسم مهاجم اگر نتواند دشمن بزرگی برای خود تعریف کند دچار تضادهای درونی میشود. نقش سوریه و ارتش در حفظ انسجام آن را میتوان با نقش ارتش پاکستان در همگون کردن چند اقلیت پنجابی، سندی، بلوچ، پشتون و ... با ساختار نظامی مقایسه کرد.

وضعیتی که کمابیش در دوران قیمومیت فرانسه در سوریه وجود داشت و اقوام مختلف همچون دروزیان و علویان پس از ۱۹۲۰ دارای خودمختاری در سرزمین تحت قیمومیت فرانسه بودند.